

ماجرای تعمیر کاران سارق در یک روز آفتابی

در آرزوی سفره عقد

یپانه می گرفتم که هر طور شده باید مستقل زندگی کنم.

بعد از گذشت مدتی در یک شرکت خصوصی مشغول به کار شدم و بعد از آن مقداری پس انداز برای خودم دست و پا کردم تا به خواسته ام که مستقل شدن بود، برسم. بالاخره تصمیم خودم را گرفتم و با وجود مخالفت مادرم با اجاره یک خانه در حاشیه شهر زندگی مستقل ام را شروع کردم. روز اسباب کشی با یک زن غریبه که ادعا می کرد از همسایه های کمی دور است، آشنا شدم اما از حيله و نیت واقعی او بی خبر بودم. از سر ساده لوحی خیلی زود با زن غریبه انس گرفتم به طوری که از سیر تا پیاز زندگی ام را برایش تعریف کردم. بعد از این ماجرا زمانی که مادرم هر بار مرا با آن زن غریبه می دید به شدت عصبانی می شد که چرا من افراد غریبه را به خانه ام راه می دهم. مادرم با کمی تحقیق پی به سابقه اعتیاد زن غریبه برده بود اما من گوشی برای شنیدن تذکر و نصیحت های کسی، حتی مادرم نداشتم. بعد از گذشت مدتی یکی از همسایه ها از زن جوان برای برادرش خواستگاری می کند و زن جوان وقتی به این نتیجه می رسد که مرد خوبی است، جواب مثبت می دهد. شرایط به خوبی پیش می رود و زن جوان که می داند بعد از مدت ها سیاه بختی با ازدواج مجدد طعم خوشبختی را خواهد چشید سر از پا نمی شناسد اما از پایان ناخوش ماجرا خبر ندارد.

زن با چشمانی اشک آلود می گوید: تصمیم گرفتم به خاطر ازدواج مجدد خانه اجاره ای را پس بدهم اما چون آبگرمکن خانه نیاز به تعمیر داشت به دنبال یک تعمیر کار بودم تا این که زن غریبه ادعا کرد یک تعمیر کار آشنا سراغ دارد که می تواند این کار را با دستمزد پایین انجام دهد. پیشنهاد زن غریبه و حيله گر را قبول کردم. روز حادثه دو تعمیر کار به همراه زن غریبه به خانه من آمدند تا کارشان را شروع کنند اما بعد از گذشت لحظاتی به رفتار و نگاه های آن ها مشکوک شدم تا این که کم کم ترس وجودم را فرا گرفت. در همین کش و قوس زن حق با ما

تفرندی مرا به اتاق کشاند و ناگهان از پشت سر دو سارق به من حمله ور شدند و مرا به شدت کتک زدند. هر چقدر به آن ها التماس کردم که طلاهایم را سرقت نکنند فایده ای نداشت و آن ها علاوه بر مقداری وجه نقد، طلاهایم را نیز دزدیدند و پا به فرار گذاشتند.

زن جوان که به شدت از این اتفاق شوکه شده بود از سارقان شکایت می کند و خیلی زود دو سارق بهمدستی زن حيله گر در دام قانون گرفتار می شوند. بعد از این اتفاق خواستگار زن جوان که متوجه ماجرا می شود به خیال این که زن جوان در این قضیه مورد آزار و اذیت نیز قرار گرفته است از تصمیم اش برای ازدواج با او منصرف می شود تا مبادا مورد هجمه فامیل و خانواده خود قرار گیرد. زن دلگیر و خوش باور می گوید: کاش همان موقع تذکرات مادرم را جدی گرفته بودم و با زن غریبه که اصلا او را نمی شناختم دوست نمی شدم و او را به خانه ام راه نمی دادم تا این گونه دوباره در ماتم نشینم و آینده ام همچنان در ابهام و بلاتکلیفی قرار نگیرد.



داستان زبان سرخ جاری و شوهر خونسرد یک زن

سبقت بگیرید!

از خرید خرد خجالت می کشید و سر این ماجرا مدام بحث داشتند. زن سرد و گرم چشیده می گوید: شوهرم به خاطر ولخرجی هایش در بین دوستانش طرفداران زیادی داشت و بیشتر اوقاتش را به جای خانواده با آن ها تنظیم می کرد که کجا بروند و چه کاری انجام دهند. وقتی به شوهرم اعتراض می کردم حداقل شب ها کمی زودتر به خانه برگردد تا با هم در مورد فرزندان مان و برخی مشکلات صحبت کنیم او همه مسئولیت را روی دوش من می انداخت و سر همین قضایا دو پسرم با پدرشان زاویه پیدا کردند و موقع صحبت نیش و کنایه و متلک پرانی بین شان غالب بود. من آدم منظمی بودم و دوست داشتم زودتر کارهایم را انجام دهم اما برعکس شوهرم خیلی ریلکس بود و حتی موقع مسافرت به همین ماجرا به شدت مرا عصبانی می کرد. موقع رفتن فاصله چند ساعته را یک روز کش می داد و به جای دوستان، بیشتر به خانواده اش اهمیت می داد و مسافرت هر چقدر از شوهرم می خواستم حداقل سرعت قانونی را رعایت کند، امتناع می کرد و حوصله آدم را سر می برد. با این کنش ها و اخلاق های خاص شوهرم در مدت بیش از ۲۰ سال زندگی مشترک مان کنار آدمم اما در یک موضوع دیگر نتوانستم او را تحمل کنم. ماجرا از این قرار بود که روزی که قرار شد با

برادر شوهرم به مسافرت برویم جاری ام با کنایه از خودروی برادر شوهرم سبقت بگیرد معلوم می شود که مرا دوست دارد و برایم ارزش قائل است. من که به شدت از دست متلک پرانی و نیش و کنایه جاری ام در این سال ها عصبانی بودم تصمیم گرفتم برای یک بار هم که شده راه متلک پرانی او را سد کنم. برای همین در روز واقعه در مسیر مقصد مدام خودروی برادر شوهرم از ما جلوتر بود و جاری ام برایم زبان درازی می کرد تا این که از شوهرم ساله متلک پرانی رو کم کنی هم که شده از خودروی توجهی نکرد و این ماجرا همچون خنجرى بر قلب شوهرم التماس کردم حداقل برای چند لحظه هم که شده به خاطر من این کار را بکند اصلاً همین ماجرا به شدت مرا عصبانی می کرد. موقع مسافرت هر چقدر از شوهرم می خواستم حداقل سرعت قانونی را رعایت کند، امتناع می کرد و حوصله آدم را سر می برد. با این کنش ها و اخلاق های خاص شوهرم در مدت بیش از ۲۰ سال زندگی مشترک مان کنار آدمم اما در یک موضوع دیگر نتوانستم او را تحمل کنم. ماجرا از این قرار بود که روزی که قرار شد با

دستگیری ۲ سارق سابقه دار در اسفراین

فرمانده انتظامی اسفراین از دستگیری ۲ سارق سابقه دار با ۶ فقره سرقت خبر داد. سرهنگ «جاوید مهری» با اعلام جزئیات این خبر گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت از خانه باغ های بخش صفی آباد بلافاصله موضوع در دستور کار ماموران پاسگاه انتظامی این شهر قرار گرفت. وی افزود: ماموران با انجام اقدامات فنی و پلیسی و تحقیقات نامحسوس موفق به شناسایی سارقان شدند. این مقام انتظامی با اشاره به این که ماموران پاسگاه انتظامی صفی آباد طی هماهنگی قضایی در یک عملیات غافلگیرانه موفق شدند ۲ سارق سابقه دار را در حین اوراق کردن یک دستگاه موتورسیکلت مسروقه دستگیر کنند، اظهار کرد: متهمان در تحقیقات پلیسی به ۶ فقره سرقت از خانه باغ ها اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

جنگ پژو و پراید باعث شد؛

یک قربانی و یک مصدوم

نجفیان- برخورد سواری پراید با سواری پژو ۴۰۵ در محور صفی آباد- دهنه شیرین یک کشته و یک مصدوم به جا گذاشت. به گفته «امین کشوری» رئیس اداره حوادث و فوریت های پزشکی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی اسفراین وقوع این سانحه رانندگی حوالی ساعت ۷:۴۵ روز گذشته گزارش شد که متأسفانه به دلیل شدت جراحات وارد شده، راننده پراید در دم جان باخت و راننده سواری پژو ۴۰۵ هم که دچار مصدومیت شده بود، برای سیر مراحل درمانی راهی بیمارستان شد. آن طور که گفته شده است؛ این ۲ خودروی سواری سرنشین دیگری نداشتند.

منتخبی از تصاویر دانش آموزان نمونه انضباطی و خیلی خوب درسی در سال تحصیلی ۹۸-۹۷

 کلاس منزه قویدل اول	 کلاس یسنا ولی زاده اول	 کلاس درسا قاسمی اول	 کلاس نازنین زهرا آذری اول	 کلاس سهیلا رحیمیان بهار اول	 کلاس نازنین زهرا فرخی اول	 کلاس ربیعانه عسبان باصم تان اول	 پیش فاطمه محبوب حبیبی	 پیش مبینا صفائی حبیبی	 پیش مریم روضانیان حبیبی	 پیش صبا عظیم زاده حبیبی	 پیش مناز چشم آرو حبیبی
 کلاس زهرا محمدنژاد دوم	 کلاس فاطمه زهرا انصاری دوم	 کلاس نازنین شاکری دوم	 کلاس آتنا جمالی دوم	 کلاس فاطمه بهاری دوم	 کلاس برنیا اصل دوم	 کلاس زحی جابری دوم	 کلاس کونر دهقان دوم	 کلاس نگین شریفی اول	 کلاس سنا کیکانو اول	 کلاس پری مقدسی اول	 کلاس فاطمه محبوب اول
 کلاس رویکا خازنده مقدم سوم	 کلاس محیا فولادی سوم	 کلاس بلدا قربان زاده سوم	 کلاس روزینا علیرزاده سوم	 کلاس لیلا حسن زاده سوم	 کلاس ستایش رفعتی سوم	 کلاس یگانه حیدری سوم	 کلاس اتنا سودمند سوم	 کلاس فاطمه فکری سوم	 کلاس هستی علیرزاده دوم	 کلاس غزل محمدی دوم	 کلاس ربیعانه بیرمرد دوم
 کلاس یکتا باسین چهارم	 کلاس فاطمه حیدری برزو چهارم	 کلاس زهرا فوی هیکل چهارم	 کلاس فاطمه خوش اندام چهارم	 کلاس نرنا رحیمیان بهار چهارم	 کلاس مهدیه سجادی چهارم	 کلاس نازنین جوان چهارم	 کلاس فاطمه صدقی چهارم	 کلاس سارا شیردل چهارم	 کلاس بانید منشی چهارم	 کلاس ملیکا نشان چهارم	 کلاس بهناز بیری چهارم

با سپاس از همراهی و همکاری صمیمانه مدیریت مدبر ، فرهیخته و بزرگ وار: خواهر ارجمند سرکار خانم عصمت جلالیان

یک دنیا تشکر از همکاری عالی معاونین پر تلاش دبستان: خانم آذر یاهویی (آموزشی) خانم مهربان سلیمان پناه(پرورشی) خانم مهناز شایان (اجرایی)

و تقدیر از زحمات همه ی آموزگاران دلسوز ، مربیان کاردان، مشاورین معزز،اعضای انجمن اولیاء و مربیان و همت بلند خانواده های محترم دانش آموزان نمونه